

پژوهش‌های قرآن و حدیث

سال چهل و نهم، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۵
Vol. 49, No. 2, Autumn and Winter 2016-2017
DOI: 10.22059/jqst.2016.63017
صص ۲۶۸-۲۵۱

بینامتنی قرآنی در اشعار سفیان بن مصعب عبدی

ابوالفضل رضایی^۱، رقیه خرمی^۲

(تاریخ دریافت مقاله: ۹۵/۰۳/۱۰ - تاریخ پذیرش مقاله: ۹۶/۰۳/۰۸)

چکیده

نظریه بینامتنی که نخستین بار از سوی کریستوا مطرح شد بیانگر آن است که هر متنی برخاسته از متن‌های پیشین یا معاصر خود است و به معنای اندیشه انتقال معنا یا لفظ از یک متن به متن دیگر می‌باشد. این انتقال بر اساس سه قاعده نفی جزئی، متوازی و کلی صورت می‌پذیرد. از مهم‌ترین منابعی که همواره مورد اقتباس شاعران قرار داشته قرآن کریم است. آنان همواره از سرچشمه فیاض واژگان و مضمون‌های آن بهره می‌بردند. یکی از این شاعران، سفیان بن مصعب است که شعر خود را در خدمت نشر فضایل ائمه^(ع) و مفاهیم قرآنی قرار داد. او با کمترین تغییر، بینامتنی آشکاری را با مفردات و مضامین قرآنی به نمایش گذاشته است. پربسامدترین نوع رابطه بینامتنی در شعر وی، نفی جزئی است. در این نوشتار با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی، روابط بینامتنی در شعر این شاعر مورد بررسی قرار گرفته است.

کلیدواژه‌ها: بینامتنی قرآنی، سفیان بن مصعب، شعر عربی، قرآن کریم.

۱. دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه شهید بهشتی (نویسنده مسئول).

Email: a.rezaei353@gmail.com

۲. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عربی دانشگاه شهید بهشتی.
Email: setarekhorram64@gmail.com

۱. مقدمه

مطالعات بینامتنی یکی از رویکردهای قابل توجه در پژوهش‌های ادبی دهه‌های اخیر است. نظریه بینامتنی نخستین بار توسط ژولیا کریستوا در سال ۱۹۶۰ و با الهام از آثار میخائیل باختین مطرح شد. بر طبق این نظریه هر متنی زایش و بازخوانی از دیگر متون است. از نظر ژولیا کریستوا بینامتنی، ترکیبی کاشی کاری شده از اقتباس‌ها است و هر متنی فراخوان و تبدیلی از متون دیگر است [۱۷، ص ۴۴].

«بینامتنیت» دارای سه رکن است: «متن پنهان»، «متن حاضر» و «روابط بینامتنی». رابطه بینامتنی، انتقال معنا یا لفظ از متن پنهان به متن حاضر است که به سه صورت انجام می‌گیرد و از آن با عنوان «قواعد سه‌گانه بینامتنی» یاد می‌شود: «قاعده نفی جزئی»، «قاعده نفی متوازی» و «قاعده نفی کلی».

قرآن کریم همواره یکی از منابع مهم مورد اقتباس ادبا و الهام‌بخش آفرینش‌های ادبی بوده است. ادبا در دوره‌های مختلف از سرچشمه زلال قرآن و مفاهیم والای آن بهره‌مند شده و معانی قرآنی را به صورت مستقیم یا غیر مستقیم در آثار خود بازتاب داده‌اند. یکی از شاعرانی که به شدت تحت تأثیر قرآن قرار داشته و الفاظ و مضامین قرآنی را بسیار در شعر خود به‌کار گرفته، سفیان بن مصعب عبدی از شعرای قرن دوم هجری است؛ شاعری که شعر خود را وقف بیان فضایل ائمه^(ع) و نشر آن قرار داد و جز [در این راه] شعری نسرود.

۲. پیشینه تحقیق

از جمله آثاری که درباره بینامتنی قرآنی در اشعار شاعران عرب نگاشته شده است می‌توان به این موارد اشاره کرد: مقاله «بینامتنی اشعار عبدالوهاب البیاتی با قرآن کریم» نوشته طیبه سیفی در فصلنامه تخصصی پژوهش‌های میان رشته‌ای قرآن کریم، شماره ۵، پاییز و زمستان ۱۳۹۰؛ مقاله «التناص القرآنی فی شعر حسان بن ثابت الأنصاری» به قلم حجت رسولی، محمد ظهیری و مصطفی زرگانی در مجله دراسات فی نقد الأدب العربی، سال سوم، شماره ۵، پاییز و زمستان ۱۳۹۱؛ مقاله «بینامتنی قرآنی در شعر بدر شاکر سیاب» به قلم قاسم مختاری در مجله ادب عربی، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۱؛ مقاله «التناص القرآنی فی الشعر العراقی المعاصر؛ دراسة و نقد» نوشته علی سلیمی و عبدالصاحب طهماسبی در مجله إضاءات نقدیة، سال دوم، شماره ۶، تابستان ۱۳۹۱. درباره سفیان بن مصعب نیز آثاری چند به نگارش درآمده است از جمله: پایان‌نامه‌ای

با عنوان «دراسة لحياة سفیان العبدی الشاعر و جهات نظره تجاه أهل البيت^(ع)» توسط صادق فتحی دهکردی در دانشگاه تربیت مدرس در سال ۱۳۷۵ نگاشته شده است که نویسنده در آن به معرفی سفیان بن مصعب و دیدگاه او درباره ائمه^(ع) پرداخته است. مقاله «سفیان بن مصعب عبدی، شاعر اهل بیت^(ع)» به قلم جواد سعدون زاده در فصلنامه لسان مبین، سال دوم، شماره ۱، دی ماه ۱۳۸۹ به چاپ رسیده است که نگارنده در این مقاله به تبیین جایگاه ادبی سفیان و جایگاه اهل بیت^(ع) در شعر وی پرداخته است. پایان نامه‌ای نیز با عنوان «ترجمه و شرح اشعار سفیان بن مصعب عبدی در مدح ائمه^(ع)» به قلم رقیه خرمی در دانشگاه تهران در سال ۱۳۹۰ نگاشته شده و در آن به ترجمه و شرح اشعار وی پرداخته شده است اما بینامتنی قرآنی در اشعار این شاعر تاکنون مورد بررسی قرار نگرفته است.

این مقاله برآن است تا به این پرسش‌ها پاسخ گوید که تاثیرپذیری عبدی کوفی از قرآن به چه میزان است؟ شاعر، معانی والای قرآنی را به چه مقصودی مورد استفاده قرار داده است؟ عبدی در اشعار خود از کدام نوع بینامتنی بهره جسته و کدام نوع آن در شعر او بیشتر به چشم می‌خورد؟

۳. روش تحقیق

در این پژوهش [ابتدا به بررسی اجمالی نظریه بینامتنی و شرح حال مختصری از سفیان بن مصعب می‌پردازیم و سپس روابط بینامتنی اشعار وی را با قرآن مورد بررسی قرار می‌دهیم. از آنجا که بسیاری از اشعار عبدی در گذر زمان از بین رفته است و دیوانی از او موجود نیست برای ارجاع ابیات از منابع معتبری همچون کتاب مناقب آل ابی طالب ابن شهر آشوب و العدیر علامه امینی استفاده می‌شود.

نظریه بینامتنیت

بینامتنیت نخستین بار در اواخر دهه شصت قرن نوزدهم میلادی از سوی «ژولیا کریستوا» و با الهام از آثار «میخائیل باختین» مطرح شد. بر اساس این نظریه، هیچ متن مستقلی وجود ندارد بلکه هر متنی برخاسته و شکل یافته از متون پیشین یا معاصر با خود است. از نظر کریستوا، بینامتنی ترکیبی کاشی کاری شده از اقتباس‌ها است و هر متنی فراخوان و تبدیلی از متون دیگر است [۱۷، ص ۴۴]. هیچ متنی مستقل و جدای از دیگر متون نیست بلکه هر متنی اگر چه به متون دیگر اشاره‌ای نداشته باشد با متون

دیگر در حال مکالمه است و نمی‌تواند متنی یک سویه باشد [۱۰، ص ۲۹۱]. باختین نیز در این باره می‌گوید: «سخن با سخن‌های پیشین که موضوع مشترکی داشته باشند و با سخن‌های آینده که به یک معنا پیشگویی و واکنش به آن‌هاست گفتگو می‌کند» [۵، ص ۹۳] از نگاه او همه متون از متون دیگر زاده شده‌اند و هیچ متن جدیدی وجود ندارد که بر متون پیش از خود تکیه نداشته باشد [۱۳، ص ۷۴].

۱.۴. بینامتنی در ادب عربی

پدیده بینامتنی در ادبیات عربی به «تناس» معروف است. اصطلاح تناس در گفتمان نقدی قدیم عربی، با نام‌های دیگری همچون نقائص، معارضات، تضمین، اقتباس، سرقت‌های ادبی و... موجود است [۲۲، ص ۲۰۰]. در حقیقت بینامتنی در ادبیات عربی پیشینه‌ای طولانی دارد چنانکه ابن رشیق آورده است: «مصدر هر گفتاری، گفتار پیش از آن است حتی اگر کشف روابط بین متون، کار آسانی نباشد. در هر حال سخن از سخن می‌آید، هر چند که مسیرش پنهان و رابطه‌اش دور باشد.» [۲، ص ۸۳] پژوهشگران عرب، اصطلاحات متعددی در مورد این پدیده به کار برده‌اند از جمله: التناسیه، النصوصیه، تداخل النصوص، النصوص المتداخلة و النص الغائب و النص الحاضر و... [۱۴، ص ۱۱]. محمد مفتاح، از منتقدان معاصر عرب، بینامتنی را تعامل متون گوناگون با یکدیگر در «کم‌وکیف»‌های مختلف می‌داند [۲۳، ص ۱۲۱]. محمد بنیس، ناقد معاصر عرب، «متن حاضر» را ساختاری لغوی می‌داند که با متون دیگر در ارتباط است و با شناخت این ارتباط می‌توان متن را تفسیر کرد. به بیان دیگر معتقد است هر متن در-برگیرنده متون دیگر است و این متون در هم تنیده و به هم آمیخته‌اند [۹، ص ۲۵۱].

۲.۴. انواع بینامتنی

بینامتنی دارای سه رکن اساسی است: «متن غایب»، «متن حاضر» و «فرآیند بینامتنیت» یا همان تاثیر و تأثر. همچنین بینامتنیت معمولاً به سه روش «اجترار» یا نفی جزئی، «امتصاص» یا نفی متوازی و «حوار» یا نفی کلی صورت می‌گیرد [۲۵، ص ۵۵].

نفی جزئی یا اجترار، عبارتست از تکرار متن غایب بدون هیچ تغییر و دگرگونی به گونه‌ای که مؤلف، جزئی از متن غایب را در متن خود می‌آورد و متن حاضر، ادامه متن غایب است و کمتر ابتکار یا نوآوری در آن وجود دارد [۱۱، ص ۵۱]. در این نوع از رابطه

که سطحی‌ترین نوع روابط بینامتنی است متن برگرفته از متن غایب می‌تواند یک کلمه، یک جمله یا یک عبارت باشد.

نفی متوازی یا امتصاص در درجه بالاتری نسبت به نفی جزئی قرار دارد. در نفی متوازی، متن پنهان به صورتی در متن حاضر به کار می‌رود که جوهره آن تغییر نمی‌کند و معنای متن غایب با توجه به مقتضای متن حاضر، همان نقشی را که در متن غایب ایفا می‌کند در متن حاضر نیز بر عهده دارد [همان].

نفی کلی یا حوار بالاترین درجه بینامتنی است و مؤلف، متن غایب را به گونه‌ای در متن حاضر بازآفرینی می‌کند که در خلاف معنای متن غایب به کار می‌رود [۲۶، ص ۳۷]. در این نوع رابطه، نیاز به آگاهی دقیق از متن غایب، مهم‌ترین اصل است و این بالاترین درجه بینامتنی در میان قوانین سه‌گانه بینامتنی است [۲۵، ص ۵۵].

بنابراین معنای متن در نفی کلی تغییر می‌کند اما در نفی متوازی معنای متن همان است و معنای متن غایب در متن حاضر تغییری اساسی نمی‌کند؛ گرچه نویسنده یا شاعر می‌تواند بر معنا بیافزاید و بدین ترتیب متن حاضر دارای معنای بیشتری باشد یا با توجه به نوآوری وی، با تغییر و تنوع همراه باشد اما روابط بینامتنی در نفی جزئی، نسبت به نفی متوازی و نفی کلی، شکل سطحی‌تری دارد و میزان نوآوری در آن اندک است.

۵. نگاهی به زندگانی سفیان بن مصعب عبدی

ابومحمد سفیان بن مصعب عبدی کوفی از شعرای اهل‌بیت^(ع) است که در قرن دوم هجری می‌زیست. وی معاصر امام صادق^(ع) بود و محضر ایشان را درک کرد [۳، ص ۱۳۹]. تاریخ ولادت و وفات عبدی مشخص نیست. علامه سید محسن امین عاملی در کتاب *اعیان الشیعه* و برخی دیگر، تاریخ وفات وی را سال ۱۲۰ هجری دانسته‌اند اما علامه امینی در کتاب *الغدیر* اعتراف می‌کند که تاریخ ولادت و وفات او را نمی‌داند و بر اساس برخی اخبار و قرائن وارده در مورد عبدی ثابت می‌کند که سال وفات او بعد از سالی است که سید امین ذکر کرده است و نزدیک به سال وفات سید حمیری و بین سال‌های ۱۶۰ تا ۱۷۰ هجری بوده است [۲۱، ص ۴۴]. او را عبدی گفته‌اند به دلیل انتسابش به عبدالقیس بن ربیع بن نزار و به همین دلیل عقبسی نیز گفته شده است [۶، ص ۲۶۷]. مطابق روایتی، از امام صادق^(ع) نقل شده است که به شیعیان فرمود: «یا معشر الشیعه علموا أولادکم شعر العبدی فإنه علی دین الله» [۷، ص ۲۹۵]. در اهمیت شعر عبدی

همین بس که امام صادق^(ع) از او خواست تا شعر بسراید [۱۸، ص ۲۸۱] یا از دیگران خواست شعر او را بخوانند.

۶. ویژگی شعر عبدی

عبدی شعر خود را مختص اهل بیت^(ع) قرار داده و در سایر زمینه‌ها و مضامین، شعری نسروده است. شعر او متضمن احادیث و آیاتی در فضایل اهل بیت^(ع) و مناقشه با مخالفان ایشان است. او به خصوص آن دسته از احادیثی که از پیامبر^(ص) روایت شده است و اهل سنت نیز به آن معترفاند و در کتاب‌هایشان ذکر کرده‌اند را به نظم درآورده است.

عبدی در شعر خود فراوان از تعبیر مستقیم استفاده می‌کند و غالباً تصاویر شعری خیالی و مطلع‌های غزلی را که بین شعرا رایج بود، به کار نمی‌برد اما با این وجود زبان و روح شعری را از دست نداده است و از برخی اسالیب بلاغی استفاده می‌کند. یکی از ویژگی‌های شعر او کوتاهی قصاید است و شاید این شعرها در ضمن قصیده-ای طولانی بوده که به ما نرسیده است. او وزن‌های خفیف و مجزوء را در شعر خود به کار می‌برد.

۷. بینامتنی قرآنی در اشعار عبدی

قرآن کریم مهمترین منبعی است که در متون دینی مورد توجه ادیبان دوره‌های مختلف بوده است. آنان واژگان و مفاهیم قرآنی را چه به صورت مستقیم و چه غیر مستقیم در آثار خود به کار برده‌اند. شعر عبدی نیز به عنوان یک شاعر متعهد شیعی، سرشار از مفاهیم کتاب و سنت است. وی گاهی به طور مستقیم واژگان قرآنی را به کار می‌گیرد و گاهی از مضمون یک آیه برای بیان اندیشه خود استفاده می‌کند. عبدی از قانون اجترار و امتصاص برای بازآفرینی متن غایب استفاده کرده و در اشعار وی واژگان و مفاهیم قرآنی با کمترین تغییر به کار رفته است [که در ادامه به نمونه‌هایی از آن اشاره می‌شود].

۱.۷. نمونه ۱

متن غایب

الف - وَ يَوْمَ نُسَيِّرُ الْجِبَالَ وَ تَرَى الْأَرْضَ بَارِزَةً وَ حَشَرْنَا هُمْ فَلَمَّ نُغَادِرُ مِنْهُمْ أَحَدًا [كهف: ۴۷]؛ و روزی را به خاطر بیاور که کوه‌ها را به حرکت درآوریم و زمین را آشکار (و مسطح) می‌بینی و همه آنان را برمی‌انگیزیم و احدی از ایشان را فروگذار نخواهیم کرد [۱].

این آیه به حوادثی اشاره دارد که در آستانه رستاخیز رخ خواهد داد و پایان آیه تأکیدی است بر این حقیقت که معاد، یک حکم عمومی و همگانی است و هیچ کس از آن مستثنی نخواهد بود [۲۴، ج ۱۲، ص ۴۹۲].
ب- لَا يَحْزَنُهُمُ الْفَرْعُ الْأَكْبَرُ وَ تَتَلَقَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ [انبیاء: ۱۰۳]؛ وحشت بزرگ آنان را اندوهگین نمی‌کند و فرشتگان به استقبالشان می‌آیند [۱].

متن حاضر

وَ أَنْتُمْ وُلاةٌ الْحَشْرِ وَالنَّشْرِ وَالْجَزَاءِ / وَ أَنْتُمْ لِيَوْمِ الْمَفْزَعِ الْهَوْلِ مَفْزَعٌ [۴، ج ۳، ص ۳۱] شما حکمران روز رستاخیز و پاداش هستید / و شما در روز سهمناک قیامت، پناهگاهید.

رابطه بینامتنی

شاعر برای بیان ارادت خویش به اهل بیت^(ع) از الفاظ و واژگان قرآنی با اندکی تغییر بهره جسته است. در مصرع اول واژه «حشر» به کار رفته و در مصرع دوم از روز سهمگین قیامت (یوم المفزع الهول) یاد می‌کند که نظیر این واژگان در آیات مذکور دیده می‌شود (حشرناهم، الفرع الاکبر) و شاعر با مهارت تمام، این الفاظ قرآنی را برای بیان اعتقاد خود به ولایت اهل بیت^(ع) به کار گرفته است. بنابراین رابطه بینامتنی از نوع نفی متوازی یا امتصاص است.

۲.۷. نمونه ۲

متن غایب

وَ عَلَى الْأَعْرَافِ رِجَالٌ يَعْرِفُونَ كُلًّا بِسِيمَاهُمْ وَ نَادُوا أَصْحَابَ الْجَنَّةِ أَنْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ [اعراف: ۴۶]؛ و بر «اعراف» مردانی هستند که هر یک از آن دو را از چهره‌شان می‌شناسند و به بهشتیان صدا می‌زنند که درود بر شما باد [۱].

از سلمان فارسی نقل است: «شنیدم پیامبر^(ص) بیش از چندبار به علی^(ع) می‌فرمود: «ای علی تو و جانشینان پس از تو از فرزندان، اعراف بین بهشت و دوزخ هستید. تنها آن کس که شما را بشناسد و شما او را بشناسید وارد بهشت می‌شود و آن کس که شما را نشناسد و شما او را نشناسید وارد آتش می‌شود» [۸، ص ۸۸].

عبدی امام علی^(ع) و جانشینان ایشان را مقصود این آیه می‌داند که هر کس آنان را بشناسد وارد بهشت می‌شود. وی این مطلب را به زیبایی در شعر خود به تصویر می‌کشد.

متن حاضر

لَأَنْتُمْ عَلَى الْأَعْرَافِ أَعْرَفُ عَارِفٍ / بِسِيمَا الَّذِي يَهْوَاكُمْ وَ الَّذِي يَشْنَأُ [۷، ص ۷۴۲]

شما بر فراز اعراف به سیمای کسی که دوستدار شماست و کسی که دشمن شماست از همه آگاه‌ترید.

رابطه بینامتنی

شاعر در این بیت با تغییر بسیار اندکی آیه‌ای از قرآن را به کار بسته و بینامتنی آشکاری ایجاد نموده است به گونه‌ای که به آسانی می‌توان از طریق بیت، به آیه قرآن رهنمون شد. در حقیقت متن حاضر ادامه متن غایب و رابطه بینامتنی از نوع نفی جزئی یا اجترار است.

۳.۷. نمونه ۳

متن غایب

وَالْمَلَكُ عَلَى أَرْجَائِهَا وَيَحْمِلُ عَرْشَ رَبِّكَ فَوْقَهُمْ يَوْمَئِذٍ ثَمَانِيَةً [حاقه: ۱۷]؛ فرشتگان در اطراف آسمان قرار می‌گیرند و آن روز عرش پروردگارت را هشت فرشته بر فراز همه آن‌ها حمل می‌کنند» [۱].

این حاملان عرش، گرچه صریحاً در این آیه تعیین نشده‌اند که از فرشتگانند یا غیر آن‌ها، ولی ظاهر تعبیرات مجموع آیه نشان می‌دهد آن‌ها از فرشتگانند ولی مشخص نیست که آیا هشت فرشته‌اند یا هشت گروه کوچک و بزرگ [۲۴، ج ۲۴، ص ۴۵۳].

متن حاضر

ثَمَانِيَةً بِالْعَرْشِ إِذِ حَمَلُونَهُ / وَمِنْ بَعْدِهِمْ فِي الْأَرْضِ هَادُونَ أَرْبَعُ [۷، ص ۷۱۵]

هشت تن از آنان عرش را بر دوش می‌کشند/ و بعد از آنان چهارتن در زمین، هدایتگر خلق‌اند.

رابطه بینامتنی

شاعر در این بیت به حمل عرش توسط هشت نفر اشاره دارد و به نظر می‌رسد مقصود وی از چهار نفر در مصرع دوم، پیامبر^(ص)، امام علی^(ع) و فرزندان ایشان هستند زیرا در روایتی آمده است: « حاملان هشتگانه عرش خدا در قیامت چهار نفر از اولین و چهار نفر از آخرین هستند. چهار نفر از اولین نوح^(ع)، ابراهیم^(ع)، موسی^(ع) و عیسی^(ع) و چهار نفر از آخرین محمد^(ص)، علی^(ع)، حسن^(ع) و حسین^(ع) هستند» [۲۴، ج ۲۴، ص ۴۵۴]. عبدی با به‌کارگیری الفاظ قرآنی «ثمانیة» و «حمل عرش» مستقیماً ما را به آیه مذکور رهنمون می‌شود. این مورد نیز همانند نمونه قبل از نوع نفی جزئی یا اجترار است چرا که این الفاظ به همان معنا و شکلی که در متن غایب بوده به کار رفته است.

۴.۷. نمونه ۴

متن غایب

أَنْ تَقُولَ نَفْسٌ يَا حَسْرَتِي عَلَىٰ مَا فَرَطْتُ فِي جَنبِ اللَّهِ وَ
إِنْ كُنْتُ لَمِنَ السَّاخِرِينَ [زمر: ۵۶]؛ [این دستورها برای آن است
که] مبادا کسی روز قیامت بگوید: افسوس بر من از کوتاهی‌هایی که در اطاعت فرمان
خدا کردم و از مسخره‌کنندگان [آیات او] بودم» [۱].

از امیرمؤمنان^(ع) روایت است که فرمود: «أنا صِرَاطُ اللَّهِ وَأَنَا جَنبُ اللَّهِ.» [۳، ص ۲۷۳]
یعنی، من صراط و پهلوی خدا هستم. «جنب الله» که به معنای جانب و ناحیه خدا
است، عبارتست از چیزهایی که بر عبد واجب است با خدای خود معامله نموده از سوی
خود به سوی خدا روانه کند و تفریط در جنب خدا به معنای کوتاهی در آن است [۱۲،
ص ۵۵۸۹].

متن حاضر

أَنْتُمْ جَنْبُهُ وَعُرْوَتُهُ الْوُثْأُ/ حَقَىٰ وَأَسْمَاؤُهُ وَبَابِ النِّجَاةِ [۴، ج ۳، ص ۴۹۷].

رابطه بینامتنی

عبدی در این ابیات به شکلی صریح و بدون تغییر از واژگان قرآنی استفاده کرده است و می‌توان به راحتی از خلال این واژگان به آیه قرآنی منتقل شد. بنابراین رابطه بینامتنی در این بیت نیز از نوع نفی جزئی یا اجترار است.

۵.۷. نمونه ۵

متن غایب

فَسُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَرْشِ عَمَّا يَصِفُونَ [انبیاء/ ۲۲]؛ منزّه است خداوند پروردگار عرش، از توصیفی که آن‌ها می‌کنند [۱].

متن حاضر

إِنَّ مَنْ زَارَهُ كَمَنْ زَارَ ذَا الْعَرَاءِ شِ عَالِي عَرْشِهِ بِغَيْرِ صِفَاتٍ [۴، ج ۳، ص ۲۷۲] بی‌گمان هر کس او، یعنی علی^(ع) را زیارت کند مانند کسی است که بدون داشتن صفات تقرّب الهی، صاحب عرش را در عرش خودش ملاقات کند.

رابطه بینامتنی

عبدی در این بیت به غیر قابل توصیف بودن خداوند اشاره دارد و نیز واژه «ذا العرش» را که از واژگان صریح قرآنی است به کار گرفته است اما از این آیه در جهت بیان باور خود به منزلت والای مولای متقیان^(ع) بهره جسته است و مضمون آیه را با اندیشه خود در-آمیخته است. بنابراین، رابطه بینامتنی از نوع نفی متوازی یا امتصاص می‌باشد.

۶.۷. نمونه ۶

متن غایب

يَوْمَ نَدْعُو كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمَامِهِمْ [اسراء: ۷۱]؛ به یاد آورید روزی را که هر گروهی را با پیشوایشان می‌خوانیم [۱].

مفاد این آیه آن است که در روز قیامت، هر کس با امام خود محشور می‌شود لذا باید در هر زمانی امامی وجود داشته باشد چنان‌که پیامبر فرمود: «هر کس بمیرد در حالی که امامش را نشناخته باشد، به مرگ جاهلی مرده است.» [۱۹، ج ۲، ص ۱۹] همچنین نقل است که امام باقر^(ع) فرمود: «وقتی آیه 'يَوْمَ نَدْعُو كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمَامِهِمْ' نازل شد

مسلمانان گفتند: 'ای رسول خدا آیا شما امام همه مردم نیستید؟' فرمود: 'من فرستاده خدا به سوی همه مردم هستم اما زود است که بعد از من امامانی از اهل بیت من بیایند؛ آنان در میان مردم قیام خواهند کرد اما تکذیب می‌شوند.' « [۱۸، ص ۲۱۵]

متن حاضر

أُمِّمْتُنَا أَنْتُمْ سُنْدَعِي بِكُمْ غَدًا / إِذَا مَا إِلَى رَبِّ الْعِبَادِ مَعَا قُمْنَا [۷، ص ۷۴۲].
شما امامان ما هستید و فردا ما به همراه شما خوانده می‌شویم / آن‌گاه که با هم به سوی پروردگار بندگان به پا خیزیم.

رابطه بینامتنی

عبدی، مقصود از امامانی را که در روز قیامت هر بنده‌ای با آنان فرا خوانده می‌شود، اهل بیت پیامبر (ص) می‌داند. وی در این بیت، مضمون آیه قرآنی را به گونه‌ای به کار برده که جوهره آن تغییری نکرده است و بنابر نفی متوازی یا امتصاص، مفهوم متن غایب را مکیده و در شعرش به کار برده است.

۷.۷. نمونه ۷

متن غایب

هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ النُّجُومَ لِتَهْتَدُوا بِهَا فِي ظُلُمَاتِ الْبَرِّ وَالْبَحْرِ [انعام / ۹۷]؛ او کسی است که ستارگان را برای شما قرار داد تا در تاریکی‌های خشکی و دریا، به وسیله آن‌ها راه یابید» [۱].

انسان در گذشته برای راهیابی در سفر، از ستارگان بهره فراوان می‌برد و اسلام نیز به مظاهر طبیعت توجه خاصی دارد. اما وقتی خدا برای سفرهای انسان، ستارگان را راهنما قرار داده است آیا می‌توان پذیرفت که برای گمراه نشدن او در مسیر حق، راهنمایی قرار نداده باشد؟ این امر بیانگر لزوم رسالت و امامت برای هدایت بشر است. در روایات منظور از ستارگان هدایت کننده، رهبران معصوم و اولیای خداوند هستند [۱۵، ص ۵۱۶]؛ « النجوم: آل محمد (ع) » [۲۰، ج ۲۴، ص ۷۶].

متن حاضر

أَنْتُمْ نُجُومُ الْهُدَى الْوَاتِي / يَهْدِي بِهَا اللَّهُ كُلَّ هَادِي [۷، ص ۷۳۴].

رابطه بینامتنی

عبدی در این بیت نوآوری اندکی به خرج داده است و امامان معصوم^(ع) را به ستارگانی تشبیه می‌کند که هدایتگر بشر هستند. شاعر در این بیت مضمون آیه را مکیده و در کلام خود به کار برده است. بنابراین رابطه بینامتنی از نوع متوازی یا امتصاص است.

۸.۷. نمونه ۸

متن غایب

أَمَّا وَلِيِّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ آمَنَّا بِهِ؛ سرپرست و ولیّ شما تنها خداست و پیامبر او و آن‌ها که ایمان آورده‌اند؛ همان‌ها که نماز را برپا می‌دارند و در حال رکوع، زکات می‌دهند» [۱].

امروز یاور شما تنها خدا و رسول و آن مؤمنانی هستند که نماز به‌پا داشته و به فقیران، در حال رکوع، زکات می‌دهند. انس بن مالک نقل می‌کند: «گدایی به مسجد آمد و می‌گفت: کیست که به فقیری پیر، قرض بدهد؟» علی^(ع) در رکوع بود. انگشترش را از دستش درآورد و به گدا داد. رسول خدا^(ص) فرمود: «ای عمر! واجب شد.» عمر گفت: «پدر و مادرم فدایت ای رسول خدا؛ چه چیزی واجب شد؟» فرمود: «بهشت بر او واجب شد. به خدا سوگند انگشترش را از دستش بیرون نیاورد مگر این‌که خداوند او را از هر گناه و خطایی خارج کرد.» هنوز کسی از مسجد بیرون نرفته بود که جبرئیل^(ع) این سخن خدای متعال را بر پیامبر^(ص) نازل کرد: «أَمَّا وَلِيِّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ» [۱۶، ص ۱۰۶].

متن حاضر

ذَاكَ الْمُصَدِّقُ فِي الصَّلَاةِ بِخَاتَمِ / وَبِقُوْتِهِ لِلْمُسْتَكِينِ السَّارِ [۴، ج ۲، ص ۲۱۳].
او کسی است که در نماز انگشترش را صدقه داد/ و غذایش را به رهگذر بینوا داد.

رابطه بینامتنی

شاعر در این بیت ماجرای صدقه دادن امام^(ع) و دادن انگشتر خویش به فرد نیازمند در حالت رکوع را که در آیه قرآنی به آن اشاره شده به شعر درآورده است و نوآوری خاصی در شعر خود ندارد. بنابراین رابطه بینامتنی از نوع نفی جزئی یا اجترار است که ساده‌ترین نوع روابط بینامتنی به شمار می‌آید.

۹.۷. نمونه ۹

متن غایب

و الْأَرْضَ بَعْدَ ذَلِكَ دَحَاهَا [نازعات: ۳۰]؛ و زمین را بعد از آن گسترش داد [۱].
در احادیث آمده است که روز «دحو الأرض» روزی است که زمین از زیر کعبه گسترده شد و آن روز ۲۵ ذی القعدة است. «دحو» در لغت به معنای گستردن است و مراد از دحو الأرض آن است که در آغاز تمام سطح زمین را آبهای حاصل از بارانهای سیلابی نخستین فراگرفته بود. این آبها به تدریج در گودالهای زمین جای گرفتند و خشکیها از زیر آب سر برآوردند و روز به روز گستردهتر شدند [۲۴، ج ۲۶، ص ۱۱۰].

متن حاضر

لَوْلَاهُمْ مَارَفَعَ اللَّهُ لَهُ السَّمَا / وَلَا دَحَا الْأَرْضَ وَلَا أَنْشَأَ بِالْوَرَى [۳، ص ۱۷۳].

رابطه بینامتنی

شاعر در این بیت، علت افراشته شدن آسمان و گسترده شدن زمین را، وجود ائمه^(ع) دانسته و از مضمون آیه قرآنی به نیکی بهره گرفته و با اندکی نوآوری، مضمون آیه را در جهت هدف مورد نظر خود به کار بسته است و با ذکر کلمات «الأرض» و «دحا» به آسانی خواننده را به آیه رهنمون می‌شود اما جوهره متن غایب تغییری نیافته و بنابراین رابطه از نوع نفی متوازی یا امتصاص است.

۱۰.۷. نمونه ۱۰

متن غایب

فَخَسَفْنَا بِهِ وَبِدَارِهِ الْأَرْضَ [القصص: ۸۱]؛ سپس ما او (قارون) و خانه‌اش را در زمین فرو بردیم [۱].

این آیه به ماجرای فرو رفتن قارون ستمگر و گنجش به درون زمین اشاره دارد.

متن حاضر

لَوْ شِئْتَ تَمْسِخُهُمْ فِي دَارِهِمْ مَسْخُوا / أَوْ شِئْتَ قُلْتَ بِهِمْ يَا أَرْضَ فَانْخَسِفِ [۴، ج ۲، ص ۱۵۸] [آی علی] اگر می‌خواستی آنان را (کسانی که بر تو ستم کردند) در خانه-هایشان نیست و نابود کنی، نابود می‌شدند یا اگر می‌خواستی می‌گفتی ای زمین آنان را فرو ببر.

رابطه بینامتنی

عبدی در این بیت، به زیبایی ترکیب آیه قرآنی را برگرفته و با مقداری نوآوری آن را در جهت بیان فضایل امام^(ع) از جمله عظمت و قدرت ایشان و برخورد سرسختانه با ظالمان و زورگویان به کار برده است، به گونه‌ای که با دیدن این ترکیب به راحتی می‌توان به آیه فوق، رهنمون شد. بنابراین، این ترکیب یادآور رابطه نفی متوازی یا امتصاص است.

۱۱.۷. نمونه ۱۱

متن غایب

الف- يَقُولُ الْإِنْسَانُ يَوْمَئِذٍ أَيُّنَ الْمَقَرِّ [قیامت: ۱۰]؛ آن روز انسان می‌گوید: راه فرار کجاست؟ [۱].

ب- وَ نَسُوقُ الْمُجْرِمِينَ إِلَىٰ جَهَنَّمَ وِرْدًا [مریم: ۸۶]؛ و مجرمان را همچون شتران تشنه‌کامی که به سوی آبگاه می‌روند [به جهنم می‌رانیم] [۱].

متن حاضر

و أَيْنَ مِنْكَ مَقَرُّ الْهَارِبِينَ إِذَا قَادَتْهُمُ نَحْوَكِ الْأَمْلَاقُ بِالْعُنْفِ [۴، ج ۲، ص ۱۵۸]

رابطه بینامتنی

شاعر در مصرع نخست این بیت با جمله «أین مفر» بینامتنی آشکاری را با آیه مذکور به نمایش گذاشته است و مضمون مصرع نیز همان مضمون آیه است بدون آن که شاهد نوآوری از سوی شاعر باشیم. در مصرع دوم نیز اگر چه شاعر به صراحت کلمات آیه را به کار نبرده اما مضمون آیه کاملاً مشهود است و جوهره آن تغییری نکرده است. بنابراین در مصرع اول رابطه بینامتنی از نوع نفی جزئی یا اجترار و در مصرع دوم از نوع نفی متوازی یا امتصاص است.

۱۲.۷. نمونه ۱۲

متن غایب

مَتَّكَيْنَ فِيهَا عَلَى الْأَرَائِكِ لَا يَرُونَ فِيهَا شَمْسًا وَلَا زَمْهَرِيرًا [انسان: ۱۳]؛ این در حالی است

که در بهشت بر تخت‌های زیبا تکیه کرده‌اند، نه آفتاب را در آنجا می‌بینند و نه سرما را [۱].

در این آیه خداوند به توصیف بهشتیان می‌پردازد که بر تخت‌ها تکیه زده‌اند؛ نه نور شدید خورشید آنان را می‌آزارد و نه سرمای شدیدی وجود دارد.

متن حاضر

أَوَلَيْسَ الْإِلَهَ قَالَ لَنَسَا لَا / شَمْسٌ فِيهَا يُرَى وَلَا زَمْهَرِيرًا [۴، ج ۳، ص ۱۱۰]
آیا خداوند به ما نگفت که در آن نه آفتابی دیده می‌شود و نه سرمای شدیدی؟

رابطه بینامتنی

در این بیت، شاعر کلمات قرآنی را بدون تغییر به کار برده است و مضمون بیت نیز دقیقاً همان مضمون آیه است و هیچگونه نوآوری از جانب شاعر صورت نپذیرفته است، بنابراین رابطه بینامتنی از نوع نفی جزئی - که ابتدایی‌ترین نوع روابط بینامتنی است - می‌باشد.

۱۳.۷. نمونه ۱۳

متن غایب

الف- هُوَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ [حدید/۳]؛ اول و آخر و پیدا و پنهان اوست و او به همه چیز داناست [۱].

ب- وَأَنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ [أنفال/ ۵۳]؛ و خداوند، شنوا و داناست [۱].

وصف اول و آخر بودن، تعبیر لطیفی است از ازلیت و ابدیت خدا زیرا می‌دانیم او وجودی است بی‌انتهای و واجب‌الوجود، یعنی هستی‌اش از درون ذات اوست نه از بیرون تا پایان گیرد یا آغازی داشته باشد. [۲۴، ج ۲۳، ص ۳۱۰]. این آیه بیانگر جمع صفات اضداد در خداوند متعال است. او هم ظاهر است و هم باطن، هم اول است و هم آخر. آیه ۵۳ سوره انفال نیز به دو صفت دیگر خدا اشاره دارد؛ او شنوای گفتار مردم و عالم به اعمال ایشان است.

متن حاضر

لَكَ قَالَ النَّبِيُّ هَذَا عَلِيٌّ / أَوَّلٌ آخِرٌ سَمِيعٌ عَلِيمٌ [۴، ج ۲، ص ۲۰۶]
پیامبر (ص) درباره تو فرمود: این علی است؛ اول و آخر و شنوا و داناست.

رابطه بینامتنی

رسول خدا^(ص) فرمود: «پروردگرم به من چنین گفت: 'ای محمد! علی اول و آخر و ظاهر و باطن است و او به همه چیز داناست'. گفتم: 'پروردگارا آیا این‌ها صفات تو نیست؟' فرمود: 'من اولم و چیزی قبل از من نیست و آخرم پس چیزی بعد از من نیست؛ ظاهرم و چیزی بالای من نیست و باطنم و چیزی پایین من نیست. ای محمد! علی اول است، یعنی اولین کسی از ائمه که پیمان مرا پذیرفت. علی آخر است، یعنی آخرین کسی از ائمه که روح او را قبض می‌کنم. علی ظاهر است، یعنی هر آنچه بر تو وحی کردم بر او ظاهر کردم. علی باطن است، یعنی رازی که با تو پنهانی گفتم در وجود او پنهان کردم» [۲۰، ج ۱۸، ص ۳۷۷]. عبدی با توجه به این روایت، صفاتی را که در قرآن از آن خداست درباره مولای متقیان^(ع) به کار گرفته است و الفاظ قرآنی را بدون تغییر در شکل و مضمون بیان نموده است. بنابراین این در اینجا رابطه بینامتنی از نوع نفی جزئی است.

نتیجه‌گیری

اندیشه عبدی بر مفاهیم قرآنی و روایی و عشق به اهل‌بیت^(ع) استوار است و شعر او بیانگر ارتباط عمیق وی با مفاهیم قرآنی و آگاهی کامل نسبت به آن است. بررسی اشعار عبدی گواه آن است که وی گاه شعر خویش را به مفردات و واژه‌های قرآنی آراسته و گاه مضمون و مفهوم آیه‌ای از قرآن کریم را منبع الهام خویش قرار داده است. بهره‌گیری عبدی از الفاظ و مضامین قرآنی آگاهانه و اغلب مستقیم است. او این الفاظ و مضامین را با کمترین تغییر به کار گرفته است و معنای اکثر واژگان و عبارات، با متن غایب هماهنگ است. بینامتنی شعر وی با آیات قرآنی از نوع نفی متوازی و نفی جزئی است و میزان کاربرد نفی جزئی در شعر او بیشتر از نفی متوازی است.

منابع

- [۱]. قرآن کریم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی.
- [۲]. ابن رشیق القيروانی، ابوالحسن (۱۹۷۲). *قراضة الذهب فی اشعار العرب*. تحقیق ابویحیی الشاذلی، تونس، الشركة التونسية للتوزيع.
- [۳]. ابن شهر آشوب، رشیدالدین ابی جعفر محمد بن علی (۱۳۵۲ق). *معالم العلماء*. طهران، مطبعة فردین.
- [۴]. ----- (۱۹۹۱). *مناقب آل ابی طالب*. الطبعة الثانية، بیروت، دارالأضواء.

- [۵]. احمدی، بابک (۱۳۷۸). *ساختار و تأویل متن*. چاپ چهارم، تهران، نشر مرکز.
- [۶]. الامین، محسن (۱۴۰۶). *اعیان الشیعه*. بیروت، دارالتعارف للمطبوعات.
- [۷]. الامینی النجفی، عبدالحسین (۱۳۶۸). *الغدیر فی الکتاب والسنة والادب*. طهران، دارالکتب الاسلامیة.
- [۸]. بلخی نقشبندی قندوزی، سلیمان (۱۴۱۶). *ینابیع المودة*. قم، دار الأسوة.
- [۹]. بنیس، محمد (۱۹۷۹). *ظاهرة الشعر المعاصر فی المغرب مقارنة بنویة تکوینیة*. الطبعة الأولى، بیروت، دار العودة.
- [۱۰]. پین، مایکل (۱۳۸۰). *لکان دریدا/ کریستوا*. ترجمه پیام یزدانجو، تهران، نشر مرکز.
- [۱۱]. سالم، سعد الله (۲۰۰۷). *مملكة النص*. بیروت، دار الكتاب العالمی.
- [۱۲]. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۷۴). *تفسیر المیزان*. ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، قم، دار العلم.
- [۱۳]. طعمه حلبی، احمد (۲۰۰۷). *التنصص بین النظریة و التطبيق*. دمشق، وزارة الثقافة.
- [۱۴]. عطاء، احمد محمد (۲۰۰۷). *التنصص القرآنی فی شعر جمال الدین بن نباته المصری*. المؤتمر الدولي الرابع لكلیة اللسن جامعة المنیا.
- [۱۵]. قرائتی، محسن (۱۳۸۸). *تفسیر نور*. تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
- [۱۶]. الکجی الشافعی، ابوعبدالله محمد بن یوسف (۱۴۰۴). *کفایة الطالب فی مناقب آل ابی طالب*. طهران، مطبعة فارابی.
- [۱۷]. کریستوا، ژولیا (۱۳۸۱). *کلام، مکالمه، رمان*. ترجمه پیام یزدانجو، تهران، نشر آگه.
- [۱۸]. کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب بن اسحاق (۱۴۰۴). *الروضه من الکافی*، ترجمه و شرح سیدهاشم رسولی محلاتی، تهران، انتشارات علمیه اسلامیة.
- [۱۹]. ----- (۱۳۷۹). *اصول کافی*، ترجمه: محمد باقر کمره ای، جلد ۲، تهران، دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.
- [۲۰]. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳). *بحار الانوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار*. بیروت، مؤسسه الوفاء.
- [۲۱]. محمد، هاشم (۱۴۱۶). *سفیان بن مصعب العبدی*. قم، المجمع العالمی لأهل البيت^(ع).
- [۲۲]. مختاری، قاسم؛ شانقی، غلامرضا (۱۳۸۹). «بینامتنی قرآنی و روایی در شعر

- سید حمیری». فصلنامه علمی پژوهشی لسان مبین، دانشگاه بین المللی امام خمینی^(۵) قزوین، سال دوم، شماره ۲، صص ۱۹۷-۲۱۵.
- [۲۳]. مفتاح، محمد (۱۹۸۵). *تحلیل الخطاب الشعری*. بیروت، دار التنویر للطباعة و النشر.
- [۲۴]. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۷). *تفسیر نمونه*. چاپ سی و ششم، تهران، دار الکتب الاسلامیة.
- [۲۵]. موسی، خلیل (۲۰۰۰). *قرائات فی الشعر العربی الحدیث و المعاصر*. دمشق، اتحاد الکتب العرب.
- [۲۶]. وعد الله، لیدیا (۲۰۰۵). *التناص المعرفی فی شعر عزالدین المناصره*. دار المندلاوی.